

سیاست‌های مالی تحت راهبرد اقتصاد مقاومتی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۴

تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۱۲/۱۰

علی خالقیان میمند* محمد واعظ برزانی**
محمدرضا حیدری*** مهدی طغیانی****

چکیده

دولت می‌تواند با استفاده از سیاست‌های مالی مناسب به برطرف کردن نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت اقتصاد بپردازد و در جهت رونق تولید ملی و رفع فقر و بیکاری گام بردارد. در این پژوهش با هدف تعیین اولویت سیاست مالی مبتنی بر راهبرد اقتصاد مقاومتی به بررسی سیاست‌های مالی پرداخته شده و همچنین الگوهای فکری اقتصادی در ایران به منظور تعیین میزان نزدیکی آنها با راهبرد اقتصاد مقاومتی در زمینه سیاست مالی بررسی شدند.

روش مطالعه در این پژوهش از نوع توصیفی - پیمایشی است. در این زمینه معیارهای عدالت اقتصادی، رشد اقتصادی، ثبات اقتصادی، درون‌زایی اقتصادی و مقاومت در برابر تهدیدات به عنوان شاخص‌های اقتصاد مقاومتی انتخاب شده‌اند؛ آن‌گاه با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)، خط‌مشی‌های منتخب از سیاست مالی به لحاظ دارابودن بیشترین تأثیر در تحقق راهبرد اقتصاد مقاومتی اولویت‌بندی شده‌اند و به کمک روش AHP الگوهای فکری فعال در اقتصاد ایران، به لحاظ میزان نزدیکی آنها به راهبرد اقتصاد مقاومتی در زمینه سیاست مالی، رتبه‌بندی شدند.

نتایج پژوهش نشان داد که «ایجاد نظام جامع اطلاعات اقتصادی افراد در جهت اصلاح ساختار اقتصادی و مالیاتی در کشور» دارای بیشترین اهمیت در سیاست مالی مبتنی بر راهبرد اقتصاد مقاومتی است و الگوی فکری «اقتصاد اسلامی» بیشترین همسویی را با راهبرد اقتصاد مقاومتی در زمینه سیاست مالی دارد.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، سیاست‌های مالی، فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی، عدالت اقتصادی.

طبقه‌بندی

*. کارشناسی ارشد اقتصاد اسلامی دانشگاه اصفهان.

** . دانشیار دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول). .

***. استادیار دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان.

****. استادیار دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان.

مقدمه

اقتصاد مقاومتی الگویی علمی و بومی جهت اداره اقتصاد کشور است که در چند سال اخیر توسط رهبر معظم انقلاب مطرح و به ادبیات اقتصادی کشور وارد شده است. اقتصاد مقاومتی دارای ویژگی‌ها، الزامات و اهدافی می‌باشد و برای اجرای آن در جامعه باید از نقشه راه و علائم راهنمای ویژه استفاده شود تا منجر به تحقق آن در کشور گردد. این الگو که به صورت یک راهبرد بلندمدت برای اقتصاد کشور توصیه شده است، دربرگیرنده مجموعه‌ای از سیاست‌های اقتصادی، همچون سیاست‌های پولی و مالی است.

پژوهش پیش رو به سیاست‌های مالی می‌پردازد و در پی آن است در شرایطی که اقتصاددانان با گرایش به جریان‌های مختلف اقتصادی، توصیه‌های سیاستی متفاوتی برای برون‌رفت از مشکلات اقتصادی می‌نمایند و قرائت‌های گوناگونی از الگوی اقتصاد مقاومتی دارند، با اولویت‌بندی برخی از مهم‌ترین سیاست‌های مالی، به یک جمع‌بندی نهایی درباره تعیین اهمیت هر یک از سیاست‌های مالی تحت راهبرد اقتصاد مقاومتی برسد؛ سپس با بررسی الگوهای فکری مختلف اقتصادی، الگوهای فکری فعال در اقتصاد ایران را شناسایی کرده و آنها را به لحاظ نزدیکی به راهبرد اقتصاد مقاومتی در زمینه سیاست‌های مالی ارزیابی کند؛ از این رو پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. اولویت‌بندی سیاست مالی مبتنی بر راهبرد اقتصاد مقاومتی در کشور چگونه است؟
۲. میزان نزدیکی هر یک از الگوهای فکری با راهبرد اقتصاد مقاومتی در زمینه سیاست مالی چقدر است؟

در پژوهش پیش رو برای رسیدن به پاسخ پرسش‌های فوق، پنج شاخص از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصاد مقاومتی انتخاب می‌شوند؛ سپس با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی (.....)، خط‌مشی‌های منتخب از سیاست مالی به لحاظ تأثیری که در تأمین شاخص‌های اقتصاد مقاومتی دارند اولویت‌بندی می‌گردند؛ همچنین الگوهای فکری فعال در اقتصاد ایران به لحاظ نزدیکی با راهبرد اقتصاد مقاومتی در زمینه سیاست مالی اولویت‌بندی می‌شوند. دستاوردهای این پژوهش می‌تواند به بومی‌سازی سیاست‌های اقتصادی در جهت اجرای الگوی اقتصاد مقاومتی در کشور کمک نماید.

پیشینه پژوهش

بر پایه کاوش‌های صورت‌گرفته، پژوهش مستقیمی در زمینه سیاست مالی در اقتصاد مقاومتی ملاحظه نشد؛ ولی پژوهش‌های زیادی در حوزه سیاست مالی و در حوزه اقتصاد مقاومتی انجام شده است. برخی از این پژوهش‌ها در ادامه معرفی می‌شوند:

۱. مطالعات انجام‌شده در حوزه اقتصاد مقاومتی

واژه «اقتصاد مقاومتی» نخستین بار به وسیله مقام معظم رهبری، در دیداری که با کارآفرینان سراسر کشور در تاریخ ۱۳۸۹/۶/۱۶ داشتند مطرح و پس از آن به تدریج توسط خود ایشان و دیگر صاحب‌نظران تشریح و تفسیر شد. همچنین پس از چند سال، بعد از اینکه این الگوی اقتصادی توسط اندیشمندان بحث و بررسی شد و مراحل تکامل خود را طی کرد و به عنوان الگویی ممتاز برای برون‌رفت از مشکلات و رسیدن به اهداف اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مورد پذیرش قرار گرفت، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۹ توسط رهبر معظم انقلاب ابلاغ شد. پس از ابلاغ این سیاست‌ها، علاوه بر مسئولان که موظف به تهیه نقشه راه و تصویب قوانین لازم در جهت اجرای درست این سیاست‌ها شدند، مراکز علمی و پژوهشگران نیز موظف شدند با پژوهش در این زمینه، راهکارهای علمی برای تحقق الگوی اقتصاد مقاومتی در کشور را ارائه دهند.

سلیمانی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با استفاده از روش تحلیلی به بیان ضرورت‌های اجرای اقتصاد مقاومتی پرداخته و بر این باور است که در اقتصاد مقاومتی برای برداشتن گام‌های بلند در راستای پیشرفت کشور، توجه به کیفیت، قیمت و تنوع تولیدات داخل، اصلاح مدیریت اجرایی و عملیاتی با نگرش رسیدن به خودکفایی و به‌کارگیری تدابیر لازم برای خوداتکایی در برخی زمینه‌ها لازم است.

طهماسبی بلداجی و طهماسبی بلداجین (۱۳۹۲) در مقاله‌ای به بررسی مؤلفه‌های جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی از دیدگاه قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام به روش توصیفی و اسنادی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که از نگاه قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام تلاش و کوشش و کسب روزی حلال، برنامه‌ریزی درست اقتصادی، اخلاق اقتصادی، عدالت اقتصادی، ارزش

و اهمیت تولید، توسعه فرهنگ کار و کوشش و انضباط اقتصادی از اهمیتی ویژه در اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی برخوردارند.

میرمعزی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)» در صدد ارائه تفسیری روشن از اقتصاد مقاومتی برآمده است. این پژوهش که به روش اسنادی نگاشته شده است به دنبال اثبات این مطلب است که اقتصاد مقاومتی شکل ویژه‌ای از نظام اقتصادی اسلام است و در وضعیت حمله همه‌جانبه اقتصادی دشمن که کیان نظام اسلامی را به خطر می‌اندازد، پدید می‌آید. در نظام اقتصادی اسلام در این وضعیت با تغییر در اولویت هدف‌ها و پیرو آن در اصول راهبردی و سیاست‌های کلان و حاکمیت روحیه جهادی بر رفتارهای اقتصادی دولت و مردم، راهبردی کلان طراحی می‌شود که تهدید را به فرصت تبدیل کرده و سبب رشد جهشی می‌شود.

۲. مطالعات انجام‌شده در حوزه سیاست‌های مالی

صمدی، زاهد مهر و فرامرزی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای که با مدل رگرسیون به روش انجام داده‌اند نشان می‌دهند اگر توزیع درآمد در ایران درست اجرا شود و از افراد ثروتمند مالیات گرفته شود و به افراد کم‌درآمد پرداخت شود، هم به توزیع درآمد و عدالت اجتماعی کمک می‌شود و هم سبب رشد می‌گردد؛ ولی طبق نتایج، عکس این روند در ایران دیده می‌شود؛ یعنی بیشتر درآمدهای دولت از افراد کم‌درآمد جامعه و بیشتر هزینه‌های دولت برای افراد ثروتمند بوده است که سبب افزایش شکاف طبقاتی و کندشدن رشد اقتصادی شده است؛ برای رفع این مشکل پژوهشگران پیشنهاد ایجاد سیستم مالیاتی قوی‌ای که اطلاعات کاملی از دارایی‌ها و درآمدهای همه مردم کشور را دارد، داده‌اند؛ بدین ترتیب امکان خرج کردن پول کثیف، رشوه، رانت‌خواری، فرار مالیاتی و ... به شدت کاهش یافته و با داشتن اطلاعات کامل افراد، امکان هدفمندکردن درست یارانه‌ها نیز فراهم می‌شود.

بیگامی (۱۳۹۱) در مقاله «سیاست‌های پولی و مالی در اسلام» به شرح انواع سیاست‌های پولی و مالی در نظام اقتصادی اسلام پرداخته است. وی راه‌های تأمین درآمد دولت اسلامی را شامل الف) انفال و ثروت‌های طبیعی، ب) مالیات‌های ثابت و متغیر، ج) بهای خدمات

دولتی، د) کمک‌های مردمی و ه) استقراض می‌داند و ضمن شرح هر یک از این موارد، جزیه، خراج، مالیات‌های حکومتی و بهای خدمات دولتی را ابزارهای مؤثرتری جهت اعمال سیاست‌های مالی انبساطی یا انقباضی در نظام اقتصادی اسلام معرفی می‌کند.

فرازمند، قربان‌نژاد و پورجوان (۱۳۹۲) با استفاده از روش بهینه‌یابی به تعیین قواعد سیاست پولی و مالی بهینه جهت تثبیت تولید، تورم و توزیع درآمد، همزمان با اجرای طرح اصلاح قیمت حامل‌های انرژی پرداخته‌اند. آنان نشان می‌دهند که با استفاده از قواعد پولی و مالی بهینه می‌توان به مهار تورم به عنوان یک معضل اقتصادی پرداخت، ضمن آنکه وضعیت متغیرهای کلان دیگر همچون رشد اقتصادی و توزیع درآمد را نیز بهبود بخشید.

گرچه پژوهش‌هایی مانند موارد بالا درباره بعضی از ابعاد اقتصاد مقاومتی و تحقیقات دیگری درباره سیاست‌های مالی صورت گرفته است؛ ولی پژوهشی در جهت تبیین سیاست‌های پولی و مالی مناسب برای رسیدن به یک اقتصاد مقاومتی انجام نشده است، در صورتی که مشخص شدن این سیاست‌ها، مورد نیاز جدی مسئولان در عرصه‌های اجرایی کشور است.

الگوی مفهومی پژوهش

الگوی مفهومی پژوهش، چارچوبی است که تمام تحقیق روی آن بنا می‌شود و از طریق آن پژوهشگر میان عواملی که در ایجاد مسئله پژوهش مهم هستند ارتباط برقرار می‌کند. پس از شناسایی متغیرهای مناسب، باید شبکه ارتباطات میان متغیرها به درستی بنا شود؛ به نحوی که بتوان فرضیه‌های مربوط را ایجاد و آزمون کرد (خاکی، ۱۳۸۲، ص ۳۰) و مدل، دستگاهی است متشکل از مفاهیم، فرضیه‌ها و شاخص‌ها که کار انتخاب و جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز برای آزمون را تسهیل می‌نماید (همان، ص ۸۵).

در الگوی مفهومی این پژوهش برای اینکه بتوان چارچوبی نظام‌مند تهیه نمود تا کار پژوهش طبق آن تنظیم شده و پیش برود، پس از بررسی‌های صورت گرفته موارد ذیل تعیین شده‌اند که به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. **تعیین هدف:** در نخستین اقدام باید هدف از انجام این پژوهش تعیین شود تا مطابق این هدف، حوزه‌هایی که باید در آنها مطالعه صورت گیرد و همچنین سایر عوامل مهم

مشخص شوند. تعیین هدف، منجر به شکل‌گیری سؤال اصلی پژوهش می‌شود و تدوین سؤال اصلی، نخستین گام برای طراحی الگوی پژوهش می‌باشد.

۲. تعیین فضای تحقیق: در مرحله بعد، با توجه به هدف تعیین‌شده، فضایی که قرار است این پژوهش، بر اساس قواعد و شرایط آن انجام گیرد معین می‌شود؛ از آنجاکه در این پژوهش، فضای اقتصاد مقاومتی مدنظر می‌باشد، در این قسمت به توضیح مختصر الگوی اقتصاد مقاومتی و بیان ویژگی‌های آن پرداخته می‌شود.

۳. تعیین شاخص‌های سنجش: مفاهیم برای قابل استفاده بودن باید شاخص‌هایی تجربی داشته باشند (همان، ص ۹۱). با توجه به اینکه این پژوهش قصد دارد میزان نزدیکی هر یک از الگوهای فکری را به راهبرد اقتصاد مقاومتی در زمینه سیاست‌های مالی بسنجد، قاعدتاً نیاز به شاخص‌هایی است که از ویژگی‌های راهبرد اقتصاد مقاومتی باشند و همچنین بتوان سیاست‌های مالی را با این ویژگی‌ها سنجید.

۴. تعیین الگوهای فکری: با توجه به هدف پژوهش، یعنی «تعیین میزان نزدیکی الگوهای فکری با راهبرد اقتصاد مقاومتی در زمینه سیاست مالی»، الگوهای فکری مورد نظر باید تعیین و معرفی شوند. برای تعیین این الگوهای فکری از روش مصاحبه با اساتید اقتصاد و روش مطالعات اسنادی استفاده می‌شود.

۵. بررسی سیاست‌های مالی: با توجه به هدف تحقیق یعنی «تعیین اولویت سیاست مالی مبتنی بر راهبرد اقتصاد مقاومتی» باید رویکردها و خط‌مشی‌های مختلف در حوزه سیاست‌های مالی بررسی و جمع‌آوری شود. کار جمع‌آوری خط‌مشی‌های مختلف و بعضاً متضاد در حوزه سیاست‌های مالی با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد.

۶. تعیین خط‌مشی‌های منتخب: در این مرحله از پژوهش، خط‌مشی‌های جمع‌آوری‌شده در مرحله قبل با دقت بازبینی و غربالگری می‌شوند و تعداد معدودی از آنها با توجه به ویژگی‌هایی که باید دارا باشند انتخاب می‌شوند.

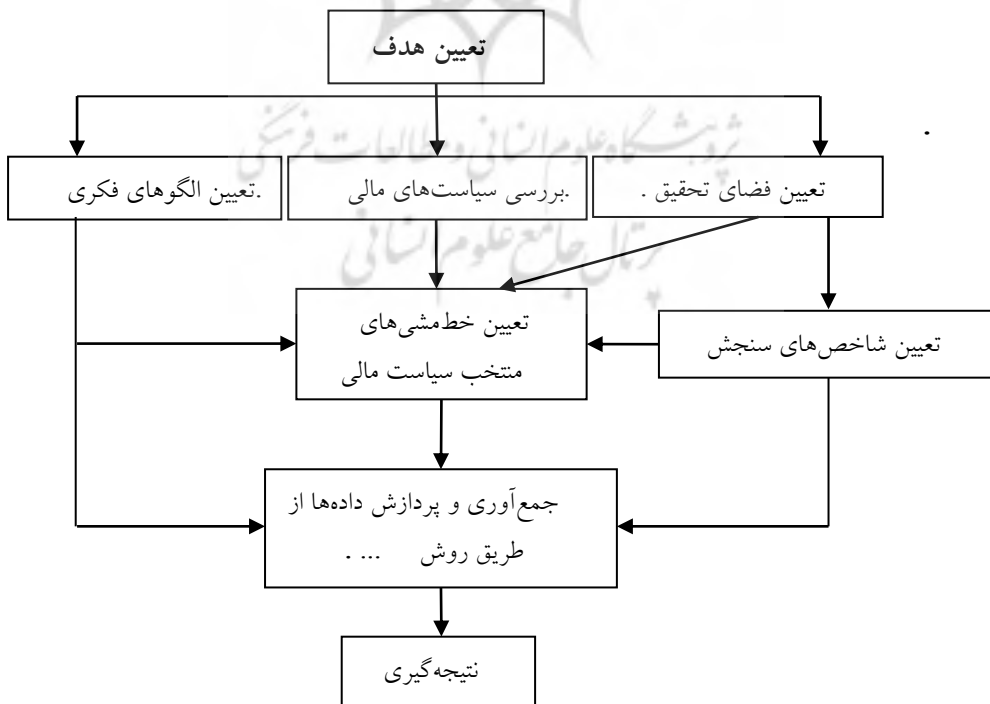
۷. جمع‌آوری و پردازش داده‌ها: پس از تعیین خط‌مشی‌های موردنظر در حوزه سیاست مالی در این مرحله با استفاده از آن خط‌مشی‌ها و به کمک شاخص‌های تعیین‌شده از راهبرد اقتصاد مقاومتی پرسشنامه پژوهش تهیه شده و برای پاسخگویی در اختیار

تعدادی از اساتید متخصص اقتصاد قرار می‌گیرد. با استفاده از پاسخ‌های داده‌شده، داده‌های مورد نظر به دست می‌آید. داده‌ها در قالب ماتریس‌های مورد نیاز گردآوری و تنظیم شده و سپس با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی پردازش می‌شوند. عملیات پردازش داده‌ها به وسیله نرم‌افزار اکسپرت چویس (... ..) صورت می‌گیرد.

۸ نتیجه‌گیری: در مرحله آخر، با توجه به پاسخ‌های به‌دست‌آمده، نتیجه‌گیری شده و خط‌مشی‌های مالی به ترتیب اولیاتی که در تحقق اقتصاد مقاومتی در کشور دارند معرفی می‌گردند و میزان نزدیکی الگوهای فکری مختلف به راهبرد اقتصاد مقاومتی در زمینه سیاست‌های مالی تعیین می‌شود.

این مراحل، الگوی پژوهش را تشکیل می‌دهند و برای تعیین اولویت سیاست‌های مالی مبتنی بر راهبرد اقتصاد مقاومتی و تعیین میزان نزدیکی الگوهای فکری به راهبرد اقتصاد مقاومتی باید یک‌به‌یک طی شده و به اجرا درآیند. در شکل یک این الگوی مفهومی در قالب نمودار نشان داده شده است:

شکل ۱: الگوی مفهومی پژوهش



در ادامه، مراحل هشت گانه فوق یک به یک طی می‌شوند تا اهداف پژوهش حاصل شوند.

مرحله نخست: اهداف پژوهش

«تعیین اولویت سیاست مالی مبتنی بر راهبرد اقتصاد مقاومتی» هدف نخست از انجام این پژوهش و «تعیین میزان نزدیکی الگوهای فکری با راهبرد اقتصاد مقاومتی در زمینه سیاست مالی» هدف دوم پژوهش حاضر می‌باشد. با بازبینی اهداف، حوزه‌هایی که باید مطالعه شود و متغیرهای مهمی که باید تعیین شوند، مشخص می‌گردد؛ بنابراین با دقت در اهداف، درمی‌یابیم در قدم نخست باید راهبرد اقتصاد مقاومتی و ویژگی‌ها و شاخص‌های آن روشن گردند و در مرحله بعد الگوهای فکری مورد مطالعه در این پژوهش مشخص شوند و سپس سیاست‌های مالی و خط‌مشی‌های متنوع در آن حوزه بررسی شود؛ بنابراین در ادامه بر پایه الگوی مفهومی پژوهش به هر کدام از این قسمت‌ها پرداخته می‌شود.

مرحله دو: تعیین فضای پژوهش

پژوهش پیش رو در فضای اقتصاد مقاومتی انجام می‌شود و از قواعد و نظرات حاکم بر آن پیروی می‌کند؛ از این رو لازم است راهبرد اقتصاد مقاومتی و ویژگی‌های آن معرفی شود. آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۲) در تشریح الگوی اقتصاد مقاومتی آن را یک الگوی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی دانسته و این گونه تعریف می‌کند:

اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند؛ یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱).

ایشان (۱۳۹۲) این الگو را تنها ویژه وضع کنونی کشور نمی‌دانند بلکه آن را یک تدبیر بلندمدت برای اقتصاد کشور برمی‌شمرند که می‌تواند اهداف نظام جمهوری اسلامی را در زمینه مسائل اقتصادی برآورده کند: «اقتصاد مقاومتی یعنی مقاوم‌سازی، محکم‌سازی پایه‌های اقتصاد؛ این چنین اقتصادی چه در شرایط تحریم، چه در شرایط غیر تحریم بارور خواهد بود و به مردم کمک می‌کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳).

ایشان در جلسه تبیین سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ویژگی‌هایی را برای الگوی اقتصاد مقاومتی برشمردند که به طور خلاصه عبارت‌اند از: ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور، بهبود شاخص‌های کلان مانند رشد اقتصادی و تولید ملی، بهبود اشتغال، کاهش تورم، افزایش بهره‌وری، افزایش رفاه عمومی، ایجاد عدالت اجتماعی، توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا، درون‌زایی یا تکیه بر ظرفیت‌های داخلی، برون‌گرایی، علمی و با برنامه‌بودن، رویکردی مجاهدانه و پرقدرت، مردم‌محوربودن، امنیت اقلام راهبردی، کاهش وابستگی به نفت، اصلاح الگوی مصرف و پرهیز از اسراف، مبارزه با فساد و فسادستیزی، شفاف‌سازی، ایجاد فضای رقابتی و دانش‌محوربودن (خامنه‌ای، ۱۳۹۲).

مرحله سه: تعیین شاخص‌های سنجش

با توجه به اهداف پژوهش، نیاز به شاخص‌هایی از اقتصاد مقاومتی است که با استفاده از آنها بتوان خط‌مشی‌های مربوط به سیاست مالی را به لحاظ میزان اثرگذاری آن خط‌مشی‌ها، در تحقق راهبرد اقتصاد مقاومتی رتبه‌بندی کرد؛ از این رو برای تعیین این شاخص‌ها به ویژگی‌هایی که در مرحله قبل به آنها اشاره شد، مراجعه شده و با بررسی آن مشخصه‌ها، کوشش شده است شاخص‌هایی از راهبرد اقتصاد مقاومتی انتخاب گردند که بتوان سیاست‌های مالی را به وسیله آنها ارزیابی کرد. همچنین این شاخص‌ها باید از درجه اهمیت بالایی در راهبرد اقتصاد مقاومتی برخوردار بوده و از مشخصه‌های اصلی این راهبرد باشند؛ به طوری که بتوان در مجموع این شاخص‌ها را به عنوان معیارهای نشان‌دهنده راهبرد اقتصاد مقاومتی به شمار آورد؛ علاوه بر این، با توجه به محدودیت‌هایی مانند پرهیز از سنگین‌شدن پرسشنامه و پرهیز از هم‌پوشانی شاخص‌ها می‌بایست اصل خلاصه و مفیدبودن در انتخاب شاخص‌ها رعایت گردد؛ بدین ترتیب با دقت نظر در مشخصه‌های اقتصاد مقاومتی و مدنظر قراردادن این نکات، سرانجام تعداد پنج مشخصه با مشورت با چند استاد اقتصاد انتخاب شد. شاخص‌های تعیین شده عبارت‌اند از: الف) عدالت اقتصادی، ب) رشد اقتصادی، ج) ثبات اقتصادی، د) درون‌زایی و ه) مقاومت در برابر تهدیدات.

عدالت اقتصادی: عدالت اقتصادی درباره حق سهم‌بری از ثروت‌ها و درآمدهای جامعه

است و وقتی پدید می‌آید که هرکس در این زمینه به حق خود دست یابد. در جهان‌بینی اسلام، مرجع تعیین حق سهم‌بری از ثروت‌ها و درآمدهای جامعه خداوند متعال ﷻ است (میرمعزی، ۱۳۸۷، ص ۴۷). از آیات و روایات، دو اصل مهم برای حق سهم‌بری از ثروت‌ها و درآمدهای جامعه استفاده می‌شود: در مرحله نخست، کار مفید و مشروع اقتصادی سبب پدیدآمدن این حق است؛ در مرحله دوم، برای کسانی که نمی‌توانند با کار مفید و مشروع، زندگی خود را تأمین کنند، نیاز در سطح کفاف، منشأ حق سهم‌بری است (همان). در راهبرد اقتصاد مقاومتی، برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی از جایگاه ویژه‌ای در میان دیگر اهداف و معیارها برخوردار است؛ به طوری که از منظر اقتصاد مقاومتی پیشرفتی که در آن عدالت رعایت نشده باشد، اصلاً پیشرفت به شمار نمی‌آید.

رشد اقتصادی: به فرایند مستمر افزایش ظرفیت تولید یک اقتصاد و بنابراین افزایش

درآمد ملی آن رشد اقتصادی می‌گویند (مریدی و نوروزی، ۱۳۷۳، ص ۳۷۴). مقام معظم رهبری (۸۵/۱۱/۳۰) در این باره می‌فرماید:

ما وقتی به صورت کلان به زمینه اقتصاد اسلامی نگاه می‌کنیم، دو تا پایه اصلی مشاهده می‌کنیم. هر روش اقتصادی، هر توصیه و نسخه اقتصادی که این دو پایه را بتواند تأمین کند، معتبر است؛ هر نسخه‌ای هرچند هم مستند به منابع علی‌الظاهر دینی باشد و نتواند این دو را تأمین کند، اسلامی نیست؛ یکی از آن دو پایه عبارت است از «افزایش ثروت ملی»؛ کشور اسلامی باید کشوری ثروتمند باشد؛ کشور فقیری نباید باشد؛ باید بتواند با ثروت خود، با قدرت اقتصادی خود، اهداف والای خودش را در سطح بین‌المللی پیش ببرد ... (مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۹۱، ص ۱۱۰-۱۱۱).

ثبات اقتصادی: به طور کلی ثبات اقتصادی شرایطی است که در آن نرخ رشد اقتصادی

ثابت و پایدار بوده، نرخ تورم پایین و تقریباً ثابت باشد، نرخ بیکاری نزدیک نرخ طبیعی خود قرار داشته باشد، کسری بودجه پایین و نرخ ارز رسمی تقریباً برابر با نرخ ارز بازاری باشد؛ هریک از این موارد شاخصی برای ثبات اقتصادی به حساب می‌آیند (رحمانی و صادق‌زاده، ۱۳۸۹)؛ اما آنچه در این پژوهش از شاخص ثبات اقتصادی مورد نظر است بیشتر ثبات سطح قیمت‌ها و کاهش تورم متمادی موجود در کشور می‌باشد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۸۷/۶/۲) درباره مشکل تورم می‌فرماید:

فکر کنید برای مقابله با این تورم چه کار باید بکنید؛ چه اقدامی باید انجام بدهید که این یا پیش نیاید و تورم ایجاد نشود؛ یا اگر ایجاد می‌شود کمتر ایجاد بشود ... در کشور ما واقعاً مسئله تورم، مسئله‌ای است؛ یعنی شما این همه خدمت کرده‌اید و این همه زحمت کشیده‌اید که بایستی در وضع زندگی مردم اثرات خودش را بگذارد ... (مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۹۱، ص ۳۶۴).

درون‌زایی اقتصادی: این شاخص در راهبرد اقتصاد مقاومتی گویای این مطلب است که رشد و پیشرفت اقتصادی در کشور بیشتر باید با تکیه بر منابع و ظرفیت‌های بسیار داخلی برنامه‌ریزی شود تا علاوه بر اینکه موجب رونق تولید و اشتغال می‌شود، سبب کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد از ناحیه تکانه‌ها و اختلالات خارجی گردد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرمایند: «درون‌زاست یعنی چه؟ یعنی از دل ظرفیت‌های خود کشور ما و خود مردم ما می‌جوشد؛ رشد این نهال و این درخت متکی است به امکانات کشور خودمان؛ درون‌زا به این معناست». (خامنه‌ای، ۱۳۹۳).

مقاومت در برابر تهدیدات: همان‌طور که از نام اقتصاد مقاومتی برمی‌آید، یک ویژگی اصلی و محوری در اقتصاد مقاومتی، مقاومت و استحکام زیاد این الگوی اقتصادی، در برابر تکانه‌ها و تهدیدات گوناگون است که اقتصاد کشور را در معرض آسیب قرار می‌دهد.

مرحله چهار: تعیین الگوهای فکری فعال در اقتصاد ایران

تاکنون در جهان الگوهای فکری مختلفی برای اداره مسائل اقتصادی کشورها مطرح شده است؛ هر یک از این الگوهای فکری دارای مبانی هستی‌شناسی، خداشناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی مربوط به خود هستند و بر اساس این مبانی شناختی یک‌سری از مواضع اصولی درباره برخی از پارامترهای مهم اقتصادی مانند مالکیت، نقش دولت و بازار، عدالت، رشد و توسعه، توزیع درآمد دارند. همچنین بر اساس این مواضع، یک‌سری توصیه‌های سیاستی برای حل مشکلات اقتصادی جوامع و حرکت آنها به سمت توسعه و پیشرفت اقتصادی ارائه می‌کنند.

در پژوهش پیش رو با بررسی الگوهای فکری اقتصادی موجود در ایران به روش مطالعات اسنادی و همچنین گفتگو با چند تن از اساتید اقتصاد، سرانجام چهار الگوی فکری شناسایی شد که نسبت به دیگر الگوها نقش برجسته‌تری در محیط‌های آموزشی و

همچنین در عرصه اجرایی کشور و سیاست‌گذاری‌ها ایفا نموده‌اند. این چهار الگوی فکری اقتصادی عبارت‌اند از: الف) الگوی بازارگرا، ب) الگوی نهادگرا، ج) الگوی اسلام‌گرا و د) الگوی دولت‌گرا.

الف) الگوی اقتصاد بازارگرا: اقتصاد بازار که با نام‌های مشابهی چون جریان غالب، نئوکلاسیک، ارتدکس و غیره نیز شناخته می‌شود با انتشار کتاب *ثروت ملل آدم/ اسمیت* (... ..) رسمیت می‌یابد (قائمی‌نیا و موسوی ثمرین، ۱۳۹۰، ص ۱۱). اقتصاد کلاسیک با بروز بحران‌های کارگری قرن نوزدهم و ظهور باورهای مارکسیستی، به اقتصاد نئوکلاسیک تبدیل شد که شاید دربرگیرنده تمامی مکاتب زاده‌شده در این مکتب از آن زمان تاکنون باشد (همان). در الگوی فکری اقتصاد بازار آزاد اصل بر حق فردی و مالکیت خصوصی است و آزادی انتخاب اقتصادی مهم‌ترین شرط کارایی به شمار می‌رود. انسان اقتصادی چون آزاد است و در گرفتن هر نوع تصمیمی آزادی دارد، به ناچار باید توانایی دخل و تصرف در هر چیزی را داشته باشد؛ به همین سبب مالکیت در این جریان جواز می‌یابد (همان، ص ۱۵-۱۶). دولت نیز به عنوان نهادی که وظیفه رفع تضاد بین آزادی‌های فردی را دارد نیازی به مالک‌بودن ندارد و حتی مالک‌بودن دولت به این جهت که موجب از بین رفتن کارایی و عدم تحقق پیگیری نفع شخصی توسط کنشگران می‌شود مذموم است (همان، ص ۱۶).

ب) الگوی اقتصاد اسلامی: اقتصاد اسلامی به صورت مشخص با کتاب بسیار مهم شهید صدر به نام *اقتصادنا* در حدود نیم قرن پیش به دنیا معرفی شد و پس از آن افرادی مانند شهید مطهری رحمته‌الله، شهید بهشتی رحمته‌الله، امام موسی صدر و ... به تعمیق مفاهیم آن پرداختند (همان، ص ۳۶). از دیدگاه اقتصاد اسلامی، رفاه و زندگی گوارا دارای پنج عنصر سلامت، امنیت، وسعت روزی، روابط اجتماعی سالم و آرامش است که بدون تقوا و یاد خداوند متعال ﷻ قابل حصول نیست و زمینه‌های اقتصادی تحقق زندگی گوارا برای همه با تحقق سه هدف عدالت اقتصادی، امنیت اقتصادی و بارورساختن استعدادهای عالم طبیعت برای پیشرفت زندگی بشر تحقق می‌یابد (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۳). بی‌تردید رشد مداوم کالاهای مورد نیاز مردم - نه کالاهایی که سود بیشتری دارد - همراه با اشتغال کامل نیروی

کار و سرمایه‌های فیزیکی و تثبیت قیمت‌ها شرطی لازم برای تحقق این اهداف است (همان).

در نظام اقتصادی اسلام مداخله دولت در امور اقتصادی به نظارت بر حسن اجرای احکام و قوانین محدود نمی‌شود و دولت می‌تواند برای تنظیم امور اقتصادی به وضع مقررات پردازد و در زمینه‌هایی که حرمت و وجوب آن صریحاً اعلام نشده است تصمیم‌گیری کند (نمازی، ۱۳۸۹، ص ۳۵۱). مبحث عدالت اجتماعی در نظام اقتصادی اسلام از جایگاه ویژه و تعیین‌کننده‌ای برخوردار است؛ تا آنجا که از دیدگاه قرآن کریم هدف از ارسال پیامبران با کتاب‌های آسمانی و معیارها و میزان‌ها برقراری عدالت اجتماعی معرفی شده است (همان، ص ۳۵۷). تسخیری درباره وظایف دولت اسلامی معتقد به موارد زیر است:

۱. تأکید بر ضرورت رشد و افزایش تولید و به‌کارگیری تدابیر لازم جهت آمادگی ذهنی مردم و تشویق به تحقق آن؛ .
۲. تأکید بر گرایش به حداکثرسازی ظرفیت‌های تولیدی و دورساختن آن از جنبه‌های تجملاتی؛ .
۳. ایستادن در مقابل تجارت، هرگاه به احتکار گراید و به عامل تورم‌زا تبدیل شده و از چارچوب مفید خود خارج شود؛ .
۴. توجه به هدف‌های سازندگی و عدم تولید بی‌برنامه؛ .
۵. منابع خراج (مالیات‌ها) باید آن‌چنان نگهداری شود که آینده را تضمین کند و خراج‌ها نیز در جهت سازندگی و عمران سوق داده شود (قائم‌نیا و موسوی ثمرین، ۱۳۹۰، ص ۵۱؛ به نقل از تسخیری). .

ج) الگوی اقتصاد نهادگرا: اقتصاد نهادگرا از نقد کوبنده و بلن از مارکسیسم و هم از اقتصاد نئوکلاسیک به وجود آمد (همان، ص ۶۱). به گمان وی از آنجا که مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی منابع را در جامعه تخصیص می‌دهند و درآمدها را توزیع می‌نمایند، مطالعه بازار به صورت انتزاعی، بی‌فایده و گمراه‌کننده خواهد بود (همان، ص ۶۱-۶۲)؛ اصولاً نهادگرایی یک نوع تحلیل اقتصادی است که به نقش نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در تعیین وقایع اقتصادی تأکید می‌کند (همان، ص ۶۲). معضل اساسی اقتصاد ایران از نگاه نهادگرایان مداخله دولت در اقتصاد نیست، بلکه نابسامانی‌هایی که ناشی از

نبود نهادهای مناسب - مانند نهاد برنامه‌ریزی علمی و دقیق، نهاد نظارتی قوی - می‌باشد، مشکل اصلی است (همان، ص ۶۸).

د) الگوی اقتصاد دولت‌گرا: الگوی اقتصاد دولت‌گرا. (چپ نو) که نسخه تعدیل‌شده اقتصاد مارکسیستی رادیکال است، امروزه خواهان برابری‌های بیشتری هستند که با دولت‌های رفاه به صورت محدود محقق شده است (همان، ص ۷۲). اقتصاد دولت‌گرا باور به داشتن یک دولت مقتدر مردم‌گراست که باید قله‌های اقتصاد را در اختیار داشته باشد و درآمدها را به گونه‌ای توزیع نماید که تقاضا برای کالاهایی فراهم آید که آن قله‌ها تشویق شوند (همان، ص ۷۵). الگوی اقتصاد دولت‌گرا در زمینه صنایع بر این باور است تا زمانی که صنایع نوپای داخلی توانایی مقابله در برابر صنایع خارجی رقیب را ندارد، می‌بایست با به‌کارگیری سیاست‌های حمایتی از صنایع داخلی اقدام کرد تا صنایع داخلی بتوانند قدرت و استحکام لازم را پیدا کنند (همان، ص ۸۱).

مرحله پنجم: بررسی گزینه‌های مختلف سیاست مالی

این پژوهش در زمینه سیاست مالی صورت گرفته است؛ سیاست مالی، استفاده از مخارج و فعالیت‌های درآمدزای دولت برای رسیدن به اهداف ویژه است؛ مثلاً برای تحقق اهدافی همچون اشتغال کامل و تثبیت قیمت‌ها دولت می‌تواند تصمیم‌های مربوط به میزان و منبع درآمد خود را تغییر دهد (مریدی و نوروزی، ۱۳۷۳، ص ۴۵۱).

در این مرحله، رویکردها و خط‌مشی‌های گوناگون در حوزه سیاست مالی با استفاده از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری می‌شود. سیاست‌های مالی شامل دو بخش درآمدها و مخارج دولت می‌باشد که بودجه دولت را تشکیل می‌دهند. حال، برنامه‌ریزان در دولت بودجه کشور را چگونه تدوین کنند تا دولت با اجرای برنامه بودجه، بتواند به اهداف کلان اقتصادی خود که همان عدالت، رشد، ثبات، افزایش مقاومت پایه‌های اقتصاد و ... هستند دست یابد؟ این مهم از طریق تعیین خط‌مشی‌ها و رویکردهای سیاستی به عنوان نقشه راهنمایی برای دولت، در راستای رسیدن به آن اهداف اقتصادی تأمین می‌شود. برنامه‌ریزان در دولت با استفاده از این خط‌مشی‌ها بودجه دولت را تنظیم می‌کنند؛ خط‌مشی عمومی وسیله‌ای برای تعیین اولویت‌ها در انجام‌دادن امور و فعالیت‌ها در جامعه است؛ به

بیان دیگر همان‌گونه که هدف‌ها، نتایج مورد نظر را مشخص می‌کنند و برنامه‌ها راه رسیدن به آنها را روشن می‌سازند، خط‌مشی‌ها نقش راهنما را دارند و اولویت‌ها و بایدها و نبایدها را معین می‌کنند و نشان‌دهنده خطوط کلی در فعالیت‌ها و اقدامات بخش عمومی هستند (الوانی، ۱۳۷۱، ص ۲۰-۲۱؛ به نقل از درور (...)).

با تحقیقات صورت‌گرفته و مراجعه به برخی منابع، مجموعه‌ای از خط‌مشی‌ها در حوزه سیاست مالی استخراج شد که در زیر به فهرستی از آنها اشاره می‌شود:

کاهش نرخ تعرفه مؤثر کالاهای وارداتی در جهت ایجاد رقابت بین صنایع داخلی و خارجی، افزایش نرخ تعرفه مؤثر کالاهای وارداتی در جهت حمایت از صنایع داخلی، افزایش نرخ تعرفه مؤثر کالاهای وارداتی لوکس، کاهش نرخ تعرفه مؤثر کالاهای صادراتی در جهت افزایش صادرات غیر نفتی، افزایش صادرات نفت، کاهش تدریجی صادرات نفت، وضع معافیت‌های مالیاتی برای سرمایه‌گذاران خارجی، توسعه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، گسترش پایه‌های مالیاتی، کاهش مالیات تولیدکنندگان داخلی، وضع مالیات بر مالکیت و دارایی، ایجاد نظام جامع اطلاعات اقتصادی افراد در جهت اصلاح ساختار درآمد و هزینه‌ای دولت، وضع مالیات بر عایدی ثروت، اختصاص تسهیلات دولتی برای حمایت از صنایع داخلی و پرداخت یارانه تولید، کاهش اندازه دولت و ...

این خط‌مشی‌ها در مرحله بعد مورد بازبینی و تعدادی از آنها با توجه به ویژگی‌هایی که باید داشته باشند برای تهیه پرسشنامه و بقیه مراحل پژوهش انتخاب می‌شوند.

مرحله شش: تعیین خط‌مشی‌های منتخب سیاست مالی

در این مرحله خط‌مشی‌های جمع‌آوری شده به دقت بررسی و بازبینی می‌شوند و تعدادی از خط‌مشی‌های مهم و اصلی در حوزه سیاست مالی که دارای ملاک‌های لازم هستند، به عنوان خط‌مشی‌های منتخب تعیین می‌گردند. در تعیین هر خط‌مشی، چهار ویژگی در نظر گرفته می‌شود: ویژگی نخست این است که خط‌مشی انتخابی باید مربوط به حوزه سیاست مالی باشد؛ دومین ویژگی که در انتخاب هر خط‌مشی در نظر گرفته می‌شود، اظهار نظر الگوهای فکری درباره آن است؛ زیرا این پژوهش می‌خواهد نظر الگوهای فکری را در مورد آن خط‌مشی جویا شود؛ ویژگی سومی که هر خط‌مشی انتخابی باید دارا باشد این است که تأمین‌کننده شاخص‌های تعیین‌شده از راهبرد اقتصاد مقاومتی باشد تا بتوان نظر نخبگان را درباره آن خط‌مشی در تأمین شاخص‌های اقتصاد مقاومتی جویا شد؛ چهارمین

ویژگی این است که خطمشی منتخب باید در جهت تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و موافق با راهبرد اقتصاد مقاومتی باشد؛ زیرا این پژوهش در فضای اقتصاد مقاومتی صورت می‌گیرد و برای اینکه بتوان میزان هر یک از شاخص‌های سنجش در هر الگوی فکری را به دست آورد باید وسیله سنجش که همان خطمشی‌های انتخاب شده هستند از راهبرد اقتصاد مقاومتی گرفته شده باشد. رعایت این چهار ویژگی در انتخاب هر خطمشی سبب افزایش روایی پرسشنامه می‌شود. همچنین علاوه بر موارد بالا می‌بایست دو اصل اختصار و جامعیت هم در تعیین و تنظیم خطمشی‌های انتخابی در نظر گرفته شود تا سبب افزایش روایی و پایایی سؤالات گردد.

با در نظر گرفتن همه این موارد فهرستی از خطمشی‌ها انتخاب و پس از مشورت با اساتید و گرفتن نظرات ایشان، تغییرات و اصلاحاتی در آنها انجام و به تأیید اساتید اقتصاد رسید. این خطمشی‌ها که تحلیل و ارزیابی پژوهش روی آنها صورت می‌گیرد شامل نه خطمشی مهم در حوزه سیاست مالی می‌شوند و به شرح جدول زیر می‌باشند:

جدول ۱: خطمشی‌های منتخب از سیاست مالی

نماد	خطمشی متناظر
..	گرفتن مالیات بر مالکیت و مالیات بر درآمد به روش تصاعدی
...	حمایت از صنایع داخلی به وسیله وضع تعرفه برای کالاهای وارداتی
...	ایجاد نظام جامع اطلاعات اقتصادی افراد در جهت اصلاح ساختار اقتصادی و مالیاتی در کشور
...	افزایش سهم مخارج انتقالی در جهت حمایت از اقشار ضعیف و افزایش رفاه عمومی
...	افزایش مخارج سرمایه‌گذاری دولت به‌ویژه در برخی صنایع پیشرو
...	حمایت دولت از تولید کالاهای اساسی و راهبردی بدون توجه به مزیت نسبی آنها
...	کاهش صادرات مواد خام مانند نفت
...	توسعه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی
...	کاهش حجم دولت و خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی

مرحله هفت: جمع‌آوری و پردازش داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی (...) انجام می‌گیرد. به‌کارگیری این روش مستلزم انجام چهار گام عمده زیر است:

گام نخست) مدل‌سازی: در این گام، مسئله و هدف از تصمیم‌گیری به صورت سلسله‌مراتبی از عناصر تصمیم که با هم در ارتباط هستند، درمی‌آید؛ عناصر تصمیم شامل «شاخص‌های تصمیم‌گیری» و «گزینه‌های تصمیم» است.

گام دوم) قضاوت ترجیحی: مقایسه‌هایی بین گزینه‌های مختلف تصمیم بر اساس هر شاخص، صورت گرفته و در مورد اهمیت شاخص تصمیم نیز مقایسات زوجی انجام می‌پذیرد.

گام سوم) محاسبات وزن‌های نسبی: وزن و اهمیت عناصر تصمیم نسبت به هم از طریق مجموعه‌ای از محاسبات عددی تعیین می‌شود.

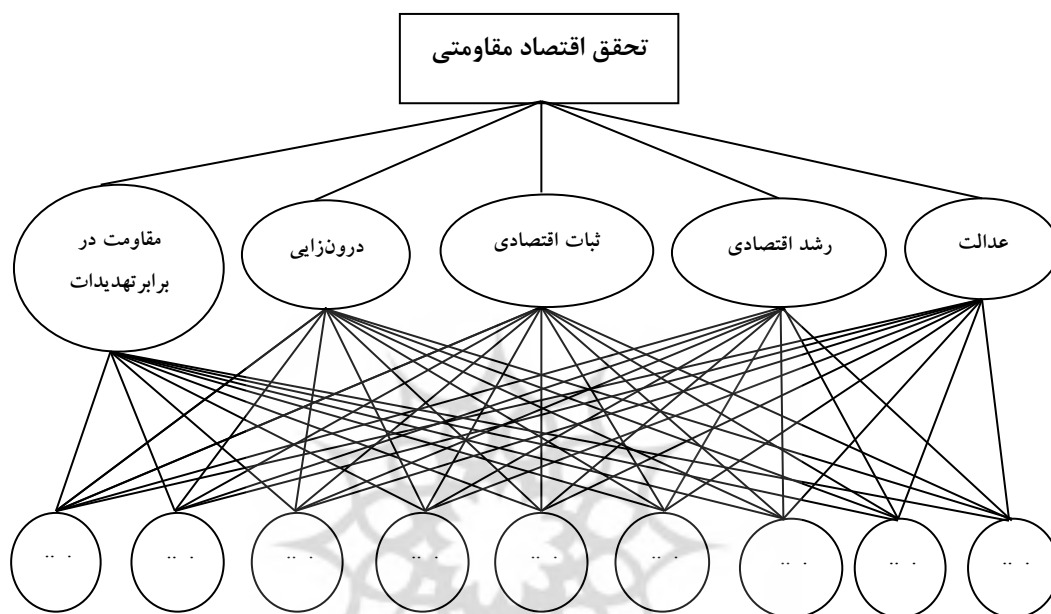
گام چهارم) ادغام وزن‌های نسبی: به منظور رتبه‌بندی گزینه‌های تصمیم صورت می‌پذیرد (مهرگان، ۱۳۸۳، ص ۱۶۵).

برای تحلیل مسائل تصمیم‌گیری چندمعیاره با استفاده از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی از نرم‌افزار اکسپرت چویس استفاده می‌شود. بر اساس محاسبات پیچیده‌ای که توسط ساعتی صورت گرفته است، در صورتی که مقدار شاخص ناسازگاری کمتر از یک‌دهم باشد، می‌توان گفت تصمیم‌گیرنده در مقایسات زوجی خویش اصل سازگاری را رعایت نموده و سازگاری مسئله از نوع قابل قبولی است (اکبری و زاهدی کیوان، ۱۳۸۸، ص ۱۲۰)؛ در ادامه به طی گام‌های بالا تا رسیدن به نتایج پژوهش پرداخته می‌شود.

گام نخست: مدل‌سازی

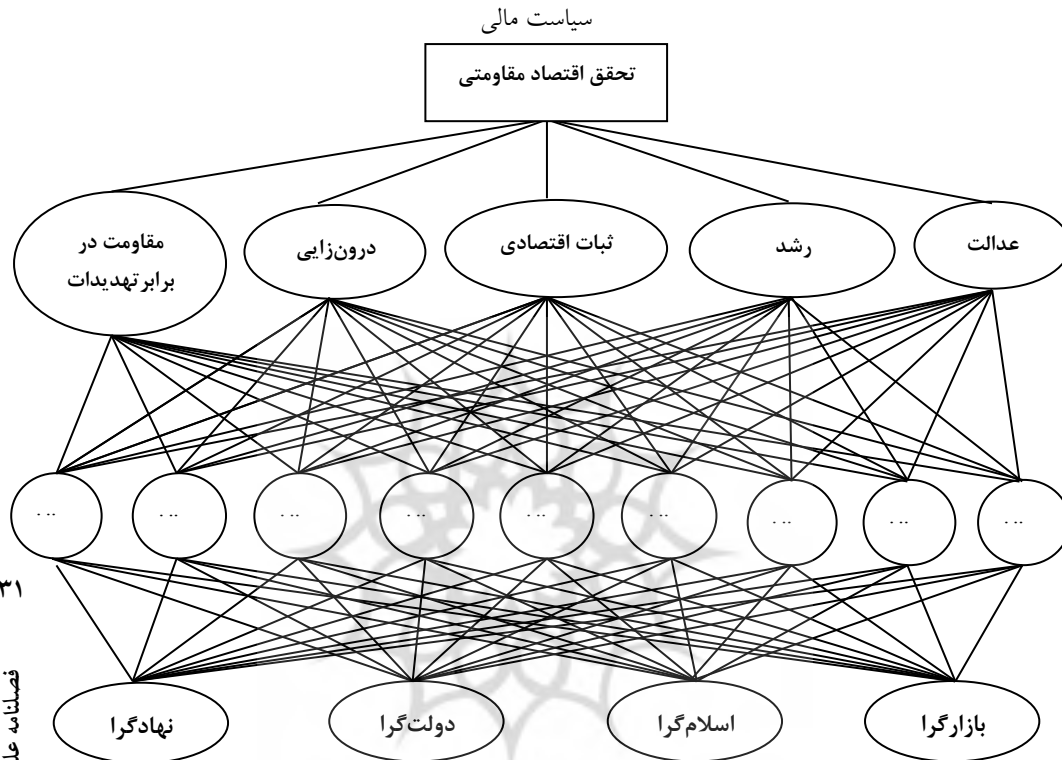
در این قسمت ساختار سلسله‌مراتبی برای مسئله پژوهش در راستای رسیدن به اهداف پژوهش طراحی می‌شود؛ همان‌طور که بیان شد، هدف اول پژوهش «تعیین اولویت سیاست مالی مبتنی بر راهبرد اقتصاد مقاومتی» می‌باشد؛ از این‌رو، با توجه به این هدف و شاخص‌های سنجش تعیین‌شده و خط‌مشی‌های منتخب از سیاست مالی، نمودار سلسله‌مراتبی برای پرسش اول پژوهش به صورت شکل دو طراحی گردیده است.

شکل ۲: نمودار سلسله‌مراتبی برای تعیین اولویت سیاست مالی مبتنی بر راهبرد اقتصاد مقاومتی



در این شکل، سطح اول نشان‌دهنده هدف مسئله تصمیم است و سطح دوم شاخص‌های اساسی در تصمیم‌گیری را نشان می‌دهد و سطح سوم نیز شامل گزینه‌های تصمیم‌گیری است. گزینه‌های تصمیم‌گیری که در این شکل با .. تا .. نشان داده شده‌اند همان خط‌مشی‌های منتخب از سیاست مالی هستند که به ترتیب در جدول یک معرفی شدند. همچنین هدف دوم این پژوهش «تعیین میزان نزدیکی الگوهای فکری با راهبرد اقتصاد مقاومتی در زمینه سیاست مالی» می‌باشد که با توجه به الگوهای فکری تعیین شده، نمودار سلسله‌مراتبی برای پرسش دوم پژوهش به صورت شکل سه طراحی گردیده است.

شکل ۳: نمودار سلسله‌مراتبی برای تعیین میزان نزدیکی الگوهای فکری با راهبرد اقتصاد مقاومتی در زمینه



تفاوت این نمودار با نمودار دو این است که در این نمودار، خط‌مشی‌های منتخب سیاست مالی در سطح سوم، از گزینه‌های تصمیم تبدیل به زیرمعیارها شده‌اند و گزینه‌های تصمیم که الگوهای فکری چهارگانه می‌باشند در سطح چهارم به مدل اضافه شده‌اند.

گام دوم: انجام قضاوت به وسیله نخبگان

حال که نمودارهای سلسله‌مراتبی طراحی شدند، داده‌های مورد نیاز برای طراحی پرسشنامه به روشنی مشخص می‌شوند. با یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان این داده‌های مورد نیاز را به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول داده‌های مورد نیاز برای مقایسه معیارهای اصلی با یکدیگر است؛ دسته دوم مربوط به داده‌های مورد نیاز برای مقایسه خط‌مشی‌های مالی در تأمین هر یک از شاخص‌های اقتصاد مقاومتی است و دسته سوم، داده‌های مورد نیاز برای مقایسه الگوهای فکری با یکدیگر در تأکیدی که آن الگوها بر هر یک از خط‌مشی‌های منتخب دارند، می‌باشد؛ به طوری که باید با استفاده از این داده‌ها یک ماتریس 5×5 مربوط به

معیارهای اصلی، پنج ماتریس ۹*۹ مربوط به خط‌مشی‌ها و نه ماتریس ۴*۴ مربوط به الگوهای فکری تکمیل گردند. اکنون با توجه به این سه دسته از داده‌های مورد نیاز و با مشورت با یکی از اساتید آشنا با روش ...، پرسشنامه‌ای شامل سه قسمت طراحی گردید که هر قسمت یکی از دسته‌های ذکرشده را پوشش می‌دهد؛ سپس به کمک دو تن از اساتید اقتصاد، شانزده نفر از نخبگان اقتصادی استان اصفهان که در حوزه شناخت الگوهای فکری و در حوزه اقتصاد مقاومتی دارای تخصص باشند، انتخاب شدند؛ سپس پرسشنامه بین آنها توزیع گردید و پس از انجام قضاوت توسط آنان، تعداد چهارده پرسشنامه صحیح جمع‌آوری شد؛ آن‌گاه از اعداد به‌دست‌آمده از پرسشنامه‌ها میانگین گرفته شد و داده‌های مورد نیاز پژوهش به دست آمد؛ سپس با استفاده از این داده‌ها، پانزده ماتریس تکمیل و برای واردکردن در نرم‌افزار اکسپرت چویس آماده گردید.

گام سوم و چهارم: محاسبه وزن‌های نسبی و نهایی توسط نرم‌افزار اکسپرت چویس

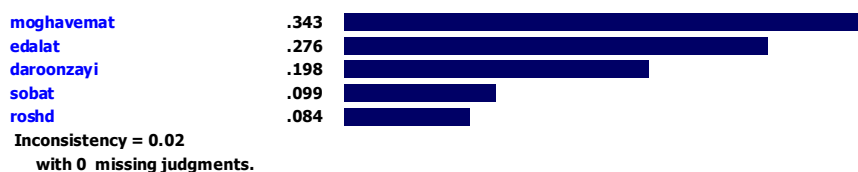
در این مرحله داده‌های به‌دست‌آمده از پرسشنامه‌ها وارد نرم‌افزار اکسپرت چویس شدند و وزن‌های نسبی و نهایی محاسبه و استخراج گردید. کار واردکردن داده‌ها یک‌بار برای پرسش نخست پژوهش و بار دیگر برای پرسش دوم پژوهش انجام گرفت؛ در ادامه نتایج استخراج‌شده از نرم‌افزار به ترتیب آمده است.

تعیین اهمیت معیارهای اصلی

برای تعیین اهمیت معیارهای اصلی داده‌های مربوط به مقایسه معیارهای اصلی که شامل یک ماتریس ۵*۵ بود، وارد نرم‌افزار شد و نتایج آن که در شکل چهار به صورت گرافیکی و همچنین در جدول دو نمایش داده شده‌اند، به دست آمد.

شکل ۴: اهمیت نسبی معیارهای اصلی

Priorities with respect to:
Provining Risistive Economy



جدول ۲: وزن‌های معیارهای اصلی بر اساس نتایج حاصل از پژوهش

ردیف	معیارهای اصلی	وزن هر معیار
۱	مقاومت در برابر تهدیدات	۰/۳۴۳
۲	عدالت اقتصادی	۰/۲۷۶
۳	درون‌زایی	۰/۱۹۸
۴	ثبات اقتصادی	۰/۰۹۹
۵	رشد اقتصادی	۰/۰۸۴

در صورتی که نرخ ناسازگاری کمتر از یک‌دهم باشد، می‌توان نتیجه گرفت که تصمیم‌گیرندگان در قضاوت‌های خود اصل سازگاری را رعایت نموده و سازگاری مسئله قابل قبول است؛ بنابراین در اینجا که نرخ ناسازگاری کمتر از ۰/۱ (یعنی ۰/۰۲) است، پاسخ‌های به‌دست‌آمده قابل قبول می‌باشند. پاسخ‌ها گویای این است که از دید نخبگان، شاخص مقاومت در برابر تهدیدات بیشترین اهمیت در راهبرد اقتصاد مقاومتی دارد و پس از آن به ترتیب عدالت اقتصادی، درون‌زایی، ثبات اقتصادی و رشد اقتصادی در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

اولویت‌بندی خط‌مشی‌های سیاست مالی بر حسب هر یک از معیارهای عدالت، رشد اقتصادی، ثبات اقتصادی، درون‌زایی و مقاومت در برابر تهدیدات

در این پژوهش برای اولویت‌بندی خط‌مشی‌های سیاست مالی بر حسب هر یک از معیارهای عدالت، رشد اقتصادی، ثبات اقتصادی، درون‌زایی و مقاومت در برابر تهدیدات

به مقایسه زوجی این خط‌مشی‌ها به لحاظ تأثیری که در تأمین هر یک از این شاخص‌ها دارند، پرداخته شد. پس از انجام این کار که با استفاده از اطلاعات به‌دست‌آمده از پرسشنامه صورت گرفت، خانه‌های پنج ماتریس ۹*۹ تکمیل گردید؛ سپس به منظور اولویت‌بندی و محاسبه وزن‌های نسبی خط‌مشی‌های سیاست مالی بر حسب هر یک از شاخص‌ها، داده‌های این ماتریس‌ها وارد نرم‌افزار اکسپرت چویس شد و نتایج آن به صورت جداول زیر به دست آمد.

جدول ۳: وزن‌های نسبی خط‌مشی‌های سیاست مالی بر حسب معیار عدالت بر اساس یافته‌های پژوهش

اولویت	نماد	خط‌مشی	وزن نسبی
۱	..	ایجاد نظام جامع اطلاعات اقتصادی افراد در جهت اصلاح ساختار اقتصادی و مالیاتی در کشور	۰/۱۵۸
۲	..	افزایش سهم مخارج انتقالی در جهت حمایت از اقشار ضعیف و افزایش رفاه عمومی	۰/۱۴۶
۳	..	گرفتن مالیات بر مالکیت و مالیات بر درآمد به روش تصاعدی	۰/۱۳۹
۴	...	کاهش حجم دولت و خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی	۰/۱۱۲
۵	...	افزایش مخارج سرمایه‌گذاری دولت به‌ویژه در برخی صنایع پیشرو	۰/۱۰۳
۶	...	حمایت از صنایع داخلی به وسیله وضع تعرفه برای کالاهای وارداتی	۰/۰۹۶
۷	...	حمایت دولت از تولید کالاهای اساسی و راهبردی، بدون توجه به مزیت نسبی آنها	۰/۰۹۱
۸	...	کاهش صادرات مواد خام مانند نفت	۰/۰۹۱
۹	...	توسعه مناطق آزاد و ویژه‌ی اقتصادی	۰/۰۶۴

جدول ۴: وزن‌های نسبی خط‌مشی‌های سیاست مالی بر حسب معیار رشد اقتصادی بر اساس یافته‌های پژوهش

اولویت	نماد	خط‌مشی	وزن نسبی
۱	...	ایجاد نظام جامع اطلاعات اقتصادی افراد در جهت اصلاح ساختار اقتصادی و مالیاتی در کشور	۰/۱۴۱
۲	...	افزایش مخارج سرمایه‌گذاری دولت به‌ویژه در برخی صنایع پیشرو	۰/۱۴۰
۳	...	کاهش حجم دولت و خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی	۰/۱۲۵
۴	...	حمایت از صنایع داخلی به وسیله وضع تعرفه برای کالاهای وارداتی	۰/۱۱۵
۵	...	کاهش صادرات مواد خام مانند نفت	۰/۱۰۸
۶	...	افزایش سهم مخارج انتقالی در جهت حمایت از اقشار ضعیف و افزایش رفاه عمومی	۰/۱۰۵

۰/۱۰۵	توسعه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی	...	۷
۰/۰۸۳	حمایت دولت از تولید کالاهای اساسی و راهبردی بدون توجه به مزیت نسبی آنها	...	۸
۰/۰۷۶	گرفتن مالیات بر مالکیت و مالیات بر درآمد به روش تصاعدی	...	۹

جدول ۵: وزن‌های نسبی خط‌مشی‌های سیاست مالی بر حسب معیار ثبات اقتصادی بر اساس یافته‌های پژوهش

اولویت	نماد	خط‌مشی	وزن نسبی
۱	S3	ایجاد نظام جامع اطلاعات اقتصادی افراد در جهت اصلاح ساختار اقتصادی و مالیاتی در کشور	۰/۱۳۵
۲	S6	حمایت دولت از تولید کالاهای اساسی و راهبردی بدون توجه به مزیت نسبی آنها	۰/۱۲۶
۳	S7	کاهش صادرات مواد خام مانند نفت	۰/۱۲۶
۴	S5	افزایش مخارج سرمایه‌گذاری دولت به‌ویژه در برخی صنایع پیشرو	۰/۱۱۱
۵	S1	گرفتن مالیات بر مالکیت و مالیات بر درآمد به روش تصاعدی	۰/۱۱۰
۶	S4	افزایش سهم مخارج انتقالی در جهت حمایت از اقشار ضعیف و افزایش رفاه عمومی	۰/۱۰۷
۷	S8	توسعه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی	۰/۱۰۷
۸	S2	حمایت از صنایع داخلی به وسیله وضع تعرفه برای کالاهای وارداتی	۰/۱۰۲
۹	S9	کاهش حجم دولت و خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی	۰/۰۷۸

جدول ۶: وزن‌های نسبی خط‌مشی‌های سیاست مالی بر حسب معیار درون‌زایی بر اساس یافته‌های پژوهش

اولویت	نماد	خط‌مشی	وزن نسبی
۱	S7	کاهش صادرات مواد خام مانند نفت	۰/۱۵۱
۲	S2	حمایت از صنایع داخلی به وسیله وضع تعرفه برای کالاهای وارداتی	۰/۱۴۲
۳	S5	افزایش مخارج سرمایه‌گذاری دولت به‌ویژه در برخی صنایع پیشرو	۰/۱۴۲
۴	S3	ایجاد نظام جامع اطلاعات اقتصادی افراد در جهت اصلاح ساختار اقتصادی و مالیاتی در کشور	۰/۱۲۸
۵	S6	حمایت دولت از تولید کالاهای اساسی و راهبردی بدون توجه به مزیت نسبی آنها	۰/۱۱۵
۶	S9	کاهش حجم دولت و خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی	۰/۰۹۶
۷	S4	افزایش سهم مخارج انتقالی در جهت حمایت از اقشار ضعیف و افزایش رفاه عمومی	۰/۰۸۳
۸	S8	توسعه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی	۰/۰۷۴
۹	S1	گرفتن مالیات بر مالکیت و مالیات بر درآمد به روش تصاعدی	۰/۰۶۸

جدول ۷: وزن‌های نسبی خط‌مشی‌های سیاست مالی بر حسب معیار مقاومت در برابر تهدیدات

اولویت	نماد	خط‌مشی	وزن نسبی
۱	S7	کاهش صادرات مواد خام مانند نفت	۰/۱۴۵
۲	S6	حمایت دولت از تولید کالاهای اساسی و راهبردی بدون توجه به مزیت نسبی آنها	۰/۱۳۲
۳	S5	افزایش مخارج سرمایه‌گذاری دولت به‌ویژه در برخی صنایع پیشرو	۰/۱۳۰
۴	S2	حمایت از صنایع داخلی به وسیله وضع تعرفه برای کالاهای وارداتی	۰/۱۲۳
۵	S3	ایجاد نظام جامع اطلاعات اقتصادی افراد در جهت اصلاح ساختار اقتصادی و مالیاتی در کشور	۰/۱۲۳
۶	S4	افزایش سهم مخارج انتقالی در جهت حمایت از اقشار ضعیف و افزایش رفاه عمومی	۰/۱۰۰
۷	S1	گرفتن مالیات بر مالکیت و مالیات بر درآمد به روش تصاعدی	۰/۰۹۱
۸	S8	توسعه مناطق آزاد و ویژه‌ی اقتصادی	۰/۰۷۹
۹	S9	کاهش حجم دولت و خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی	۰/۰۷۶

در هر یک از این جداول، نتایج به‌دست‌آمده بیان می‌دارد که از منظر نخبگان اقتصاد، برای تأمین شاخص مورد نظر در اقتصاد کشور چه خط‌مشی‌هایی اهمیت و اولویت بالاتری نسبت به سایر خط‌مشی‌ها دارند.

اولویت‌بندی نهایی خط‌مشی‌های سیاست مالی

پس از اینکه تمام داده‌های مربوط به مقایسه خط‌مشی‌های سیاست مالی بر حسب هر یک از معیارهای اقتصاد مقاومتی وارد نرم‌افزار اکسپرت چویس شد، آن‌گاه نرم‌افزار با پردازش این داده‌ها طبق روش ... و با هدف تحقق اقتصاد مقاومتی، اولویت‌بندی نهایی را برای خط‌مشی‌های سیاست مالی انجام داد؛ نتایج این اولویت‌بندی به صورت جدول هشت می‌باشد.

جدول ۸: وزن‌های نهایی خط‌مشی‌های سیاست مالی بر اساس یافته‌های پژوهش

اولویت	نماد	خط‌مشی	وزن نهایی
۱	S3	ایجاد نظام جامع اطلاعات اقتصادی افراد در جهت اصلاح ساختار اقتصادی و مالیاتی در کشور	۰/۱۳۶
۲	S7	کاهش صادرات مواد خام مانند نفت	۰/۱۲۶
۳	S5	افزایش مخارج سرمایه‌گذاری دولت به‌ویژه در برخی صنایع پیشرو	۰/۱۲۴
۴	S2	حمایت از صنایع داخلی به وسیله وضع تعرفه برای کالاهای وارداتی	۰/۱۱۷

۰/۱۱۳	حمایت دولت از تولید کالاهای اساسی و راهبردی بدون توجه به مزیت نسبی آنها	S6	۵
۰/۱۱۱	افزایش سهم مخارج انتقالی در جهت حمایت از اقشار ضعیف و افزایش رفاه عمومی	S4	۶
۰/۱۰۰	گرفتن مالیات بر مالکیت و مالیات بر درآمد به روش تصاعدی	S1	۷
۰/۰۹۴	کاهش حجم دولت و خصوصی سازی شرکت های دولتی	S9	۸
۰/۰۷۹	توسعه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی	S8	۹

همچنین در شکل پنج اهمیت نهایی خطمشی های سیاست مالی به صورت گرافیکی

نشان داده شده است.

شکل ۵: اهمیت نهایی خطمشی های سیاست مالی بر اساس یافته های پژوهش



همان طور که در شکل پنج مشاهده می شود نرخ ناسازگاری برابر با یک صدم (۰/۰۱)

است که کمتر از یک دهم (۰/۱) می باشد؛ بنابراین سازگاری به دست آمده قابل قبول است و می توان قضاوت های پرسش شوندگان را پذیرفت. نتایج بالا گویای این است که در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی در کشور در زمینه سیاست مالی، «ایجاد نظام جامع اطلاعات اقتصادی افراد در جهت اصلاح ساختار اقتصادی و مالیاتی» اولویت نخست داشته و مسئولان اقتصادی باید در درجه اول بیشترین همت خود را صرف راه اندازی و ایجاد این نظام جامع اطلاعاتی در کشور کنند؛ همچنین خطمشی های «کاهش صادرات مواد خام مانند نفت» و «افزایش مخارج سرمایه گذاری دولت به ویژه در برخی صنایع پیشرو» به ترتیب دارای اولویت های دوم و سوم می باشند و نشان دهنده این است که دولت باید اولویت دوم و سوم سیاستی خود را در زمینه سیاست مالی، به کارگیری این خطمشی ها قرار دهد تا در مسیر تحقق اقتصاد مقاومتی در کشور دچار انحراف نشود.

اولویت‌بندی نهایی الگوهای فکری بر حسب میزان نزدیکی به راهبرد اقتصاد مقاومتی

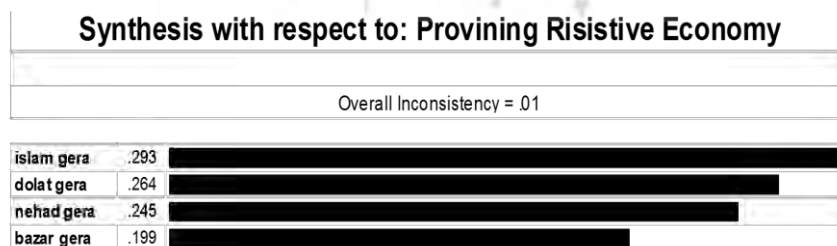
سرانجام نوبت به وارد کردن داده‌های مربوط به مقایسه الگوهای فکری بر حسب تأییدی که هر کدام از آنها بر هر خط‌مشی از سیاست مالی دارد، می‌رسد. این داده‌ها همان‌طور که قبلاً یاد شد شامل نه ماتریس 4×4 است که با استفاده از اطلاعات به‌دست‌آمده از پرسشنامه محاسبه شده‌اند. پس از اینکه این داده‌ها وارد نرم‌افزار اکسپرت چویس شدند، نرم‌افزار نخست الگوهای فکری را بر حسب هر خط‌مشی اولویت‌بندی نمود و سپس اولویت‌بندی نهایی الگوهای فکری بر حسب تمام خط‌مشی‌ها و بر حسب تمام معیارهای اقتصاد مقاومتی انجام شد که یافته‌های آن به صورت جدول نه می‌باشد. .

جدول ۹: وزن‌های نهایی الگوهای فکری بر اساس نتایج حاصل از پژوهش

ردیف	الگوی فکری	وزن نهایی
۱	اسلام‌گرا	۰/۲۹۳
۲	دولت‌گرا	۰/۲۶۴
۳	نهاد‌گرا	۰/۲۴۵
۴	بازارگرا	۰/۱۹۹

همچنین در شکل شش اهمیت نهایی الگوهای فکری بر حسب میزان نزدیکی به راهبرد اقتصاد مقاومتی به صورت گرافیکی نشان داده شده است.

شکل ۶: اهمیت نهایی الگوهای فکری بر حسب میزان نزدیکی به راهبرد اقتصاد مقاومتی .



همان‌طور که در شکل شش مشاهده می‌شود نرخ ناسازگاری برابر با یک‌صدم (۰/۰۱) است که کمتر از یک‌دهم (۰/۱) می‌باشد؛ بنابراین سازگاری به‌دست‌آمده قابل قبول می‌باشد و می‌توان قضاوت‌های پرسش‌شوندگان را پذیرفت. این نتایج گویای این است که

نزدیک‌ترین الگو به راهبرد اقتصاد مقاومتی در زمینه سیاست مالی، الگوی اقتصاد اسلامی می‌باشد.

مرحله هشت: نتیجه‌گیری

همان‌طور که بیان شد پرسش نخست پژوهش عبارت بود از اینکه «اولویت‌بندی سیاست مالی مبتنی بر راهبرد اقتصاد مقاومتی در کشور چگونه است؟» برای رسیدن به پاسخ، مرحله به مرحله کار پژوهش دنبال شد تا یافته‌های جدول هشت حاصل گردید. این نتایج گویای این است که از منظر نخبگان اقتصادی، اولویت نخست سیاست مالی برای تحقق اقتصاد مقاومتی در کشور «ایجاد نظام جامع اطلاعات اقتصادی افراد در جهت اصلاح ساختار اقتصادی و مالیاتی» می‌باشد و با ایجاد این نظام جامع اطلاعاتی در کشور شاخص‌های عدالت اقتصادی، رشد اقتصادی، ثبات اقتصادی، درون‌زایی و مقاومت در برابر تهدیدات در مجموع بیشتر از به‌کارگیری دیگر خط‌مشی‌های مالی تأمین می‌شوند و این نتیجه به معنای به‌کارنگرفتن دیگر خط‌مشی‌ها به وسیله دولت نیست، بلکه به معنای این است که دولت باید در به‌کارگیری این نه خط‌مشی بیشترین همت و توجه خود را صرف عملی و اجرایی کردن نظام جامع اطلاعات اقتصادی کند تا سریع‌تر بتواند اقتصاد مقاومتی را در کشور محقق سازد؛ از جمله دلایلی که سبب شده است نخبگان اقتصادی به‌کارگیری این خط‌مشی را برای کشور از اهمیت بالاتری نسبت به دیگر خط‌مشی‌ها در نظر بگیرند، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف) فراهم‌شدن یک بانک جامع اطلاعاتی برای مدیران و مسئولان اقتصادی برای اینکه پس از آن در یک فضای روشن و از روی آگاهی برنامه‌ریزی کنند و نه در یک فضای تاریک و غیر شفاف اقتصادی.

ب) دولت می‌تواند با استفاده از آن، تولیدکنندگان واقعی در کشور را شناسایی و با کاهش مالیات و همچنین ارائه تسهیلات به آنان بر حسب نیاز به رونق تولید داخلی و افزایش اشتغال در کشور کمک مؤثری نماید.

ج) دولت می‌تواند با استفاده از آن، فرارکنندگان مالیاتی را شناسایی کرده و با گرفتن مالیات از آنها بخش بزرگی از مخارج دولت را تأمین نموده و کمک مؤثری در جهت خروج اقتصاد ایران از یک اقتصاد متکی بر درآمدهای نفتی نماید.

د) دولت می‌تواند با استفاده از آن، سوداگران و دلالان بازارهای مختلف را شناسایی و با گرفتن مالیات از آنان، سرمایه‌گذاری‌ها را به سمت فعالیت‌های تولیدی هدایت نماید.

ه) دولت می‌تواند با استفاده از آن، واردات کالاها به کشور را در راستای حمایت از تولید ملی سازماندهی نموده و قاچاقچیان کالا و ارز را به راحتی شناسایی و دست آنان را از اقتصاد کشور قطع کند.

و) با اجرای نظام جامع اطلاعات اقتصادی، خودبه‌خود جلوی بسیاری از مفاسد اقتصادی گرفته می‌شود و دولت و دیگر دستگاه‌های نظارتی بهتر و سریع‌تر مفسدان اقتصادی را شناسایی کرده و با مفاسد اقتصادی مبارزه ریشه‌ای می‌شود.

ز) دولت می‌تواند با استفاده از نظام جامع اطلاعات اقتصادی، اقشار مختلف درآمدی و دیگر اطلاعات مورد نیاز برای طرح هدفمندسازی یارانه‌ها را شناسایی کرده و به اجرای صحیح این طرح بپردازد.

ح) دولت می‌تواند با استفاده از آن به اصلاح ساختار مالیاتی کشور از نظام مبتنی بر حدس و گمان و علی‌الرأس به نظام مبتنی بر تشخیص قطعی اقدام نماید.

ط) دولت می‌تواند با استفاده از نظام جامع اطلاعات اقتصادی وظیفه توزیع درآمدی خود را به‌نحوبهتر انجام داده و سبب بالارفتن عدالت اجتماعی در جامعه شود.

همان‌طور که در جدول هشت مشاهده می‌شود دومین اولویت سیاست مالی از منظر نخبگان اقتصادی «کاهش صادرات مواد خام مانند نفت» است و به معنای این است که دولت باید در به‌کارگیری این خط‌مشی‌های مالی پس از ایجاد نظام جامع اطلاعات اقتصادی، دومین توجه و همت خود را صرف کاهش صادرات مواد خام نماید؛ دلیل آن نیز بسیار روشن است؛ زیرا مواد خام مانند نفت، مس و غیره سرمایه‌های این کشور هستند که قابلیت تبدیل به کالاهایی با ارزش افزوده بسیار بالاتری را دارند که با خام‌فروشی، این سرمایه‌ها با قیمت ناچیزی از دستمان خارج می‌شود؛ در صورتی که با تحصیل تکنولوژی‌های لازم و افزایش بهره‌وری در کشور می‌توان با استفاده از این مواد خام به نرخ

رشد اقتصادی چشمگیری دست یافت و علاوه بر حل مشکلات اقتصادی مانند بیکاری، فقر و ... جایگاه جمهوری اسلامی را به لحاظ اقتصادی میان کشورهای جهان ارتقاء داد. اولویت‌های بعدی نیز طبق نتایج به‌دست‌آمده در جدول هشت آمده است و نشان‌دهنده این است که هر یک از چه اهمیتی برخوردار بوده و دولت باید در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی به چه میزان به هر خط‌مشی توجه نماید.

همان‌طور که قبلاً بیان شد، سؤال دوم پژوهش عبارت بود از اینکه «میزان نزدیکی هر یک از الگوهای فکری با راهبرد اقتصاد مقاومتی در زمینه سیاست مالی چقدر است؟» در این پژوهش برای رسیدن به پاسخ طبق الگوی مفهومی، کار پژوهش دنبال شد و نتایج جدول نه حاصل گردید. این نتایج گویای آن است که از دید نخبگان اقتصادی از میان این الگوهای فکری، توصیه‌ها و دیدگاه‌های الگوی اقتصاد اسلامی دارای بیشترین نزدیکی و همسویی با راهبرد اقتصاد مقاومتی در زمینه سیاست مالی است. این نتیجه، این مفهوم را می‌رساند که اگر دولت در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های خود از توصیه‌ها و دیدگاه‌های الگوی اقتصاد اسلامی استفاده نماید بهتر و سریع‌تر از سایر الگوها می‌تواند در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی در کشور گام بردارد؛ به‌ویژه هنگامی که دولت با تشنگی و اختلاف آرا در یک مسئله روبه‌رو می‌شود می‌تواند با تکیه بر نظرات الگوی فکری نزدیک‌تر به راهبرد اقتصاد مقاومتی با اطمینان خاطر بیشتری به حل آن مسئله بپردازد؛ در این صورت از ناسازگاری سیاست‌های اقتصادی کاسته شده و دولت می‌تواند با انسجام رویه و سرعت بیشتری به‌ویژه در شرایط تحریم‌ها و فشارهای بیرونی به حرکت خود به سمت اهداف کلان اقتصادی ادامه دهد.

از جمله دلایلی که سبب شده است نخبگان اقتصادی، الگوی اقتصاد اسلامی را به عنوان نزدیک‌ترین الگوی فکری به راهبرد اقتصاد مقاومتی در زمینه سیاست مالی انتخاب نمایند، انطباق بیشتر مؤلفه‌های الگوی اقتصاد اسلامی با مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی است که در زیر به برخی از موارد آن اشاره می‌شود:

الف) الگوی اقتصاد اسلامی پافشاری زیادی بر رعایت عدالت در مالیات‌ستانی و در تخصیص منابع، مبارزه با مفاسد اقتصادی و شفاف‌بودن فضای اقتصادی دارد و این ویژگی‌ها با اولویت نخست سیاست مالی در راهبرد اقتصاد مقاومتی منطبق است.

ب) پافشاری بر گرایش به حداکثرسازی ظرفیت‌های تولیدی یکی از وظایف دولت در اقتصاد اسلامی برشمرده شد (قائم‌نیا و موسوی ثمرین، ۱۳۹۰، ص ۵۱؛ به نقل از تسخیری) و این در تضاد با خام‌فروشی منابع معدنی کشور است که اولویت دوم اقتصاد مقاومتی یعنی «کاهش صادرات مواد خام» نیز به همین مطلب اشاره می‌نماید.

ج) همان‌طور که قبلاً بیان شد، توجه به هدف‌های سازندگی و عدم تولید بی‌برنامه و سوق‌دادن خراج‌ها در جهت سازندگی و عمران از جمله وظایف دولت اسلامی است (همان) و این با اولویت سوم راهبرد اقتصاد مقاومتی مبنی بر «افزایش مخارج سرمایه‌گذاری دولت به‌ویژه در برخی صنایع پیشرو» منطبق است.

د) یکی از اصول اساسی در الگوی اقتصاد اسلامی اصل عزت اقتصادی است و این مؤلفه با ویژگی «مقاومت در برابر تهدیدات» و همچنین با ویژگی «درون‌زایی» در راهبرد اقتصاد مقاومتی همخوانی دارد.

ه) مبحث عدالت اجتماعی در نظام اقتصادی اسلام از جایگاه ویژه و تعیین‌کننده‌ای برخوردار است (نمازی، ۱۳۸۹، ص ۳۵۷) و در راهبرد اقتصاد مقاومتی نیز همان‌طور که اشاره شد برقراری شاخص عدالت بسیار با اهمیت و کلیدی می‌باشد.

همان‌طور که در جدول نه مشاهده می‌شود الگوی اقتصاد بازارگرا بیشترین فاصله را با راهبرد اقتصاد مقاومتی در زمینه سیاست مالی دارد. در بیان علل اینکه چرا الگوی اقتصاد بازارگرا از دید نخبگان اقتصادی، بیشترین فاصله را با راهبرد اقتصاد مقاومتی به دست آورده است، می‌توان به اختلاف ویژگی‌های این دو الگو اشاره نمود؛ برای نمونه الگوی اقتصاد بازار معتقد به برداشتن موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای برای تجارت آزاد با دیگر اقتصادهای جهان است و باور دارد که این امر سبب افزایش بهره‌وری کالاهای تولیدی و رشد و رونق اقتصادی می‌شود؛ در صورتی که در راهبرد اقتصاد مقاومتی به «حمایت از صنایع داخلی به وسیله وضع تعرفه برای کالاهای وارداتی» پافشاری می‌شود. در این زمینه تجربه دولتهایی که از توصیه‌های اقتصاد بازار آزاد برای برنامه‌ریزی‌های خود استفاده کردند، نشان داد که رهاسازی بازارها در اقتصاد ایران منجر به واردات کالاهای مصرفی و لوکس شده و به شکل‌گیری اشرافیت ساختاری در اقتصاد می‌انجامد که این در تضاد با ماهیت و اهداف اقتصاد مقاومتی می‌باشد؛ همچنین الگوی اقتصاد بازار معتقد است که

دخالت دولت در اقتصاد سبب افزایش ناکارایی‌های اقتصادی شده و دولت را از آن برحذر می‌دارد؛ در صورتی که سومین اولویت سیاست مالی در راهبرد اقتصاد مقاومتی «افزایش مخارج سرمایه‌گذاری دولت ...» است و این سیاست با دیدگاه بازارگرایان همخوانی ندارد؛ علاوه بر این، به معیارهای مقاومت در برابر تهدیدات، عدالت و درون‌زایی که اصلی‌ترین معیارها در راهبرد اقتصاد مقاومتی به شمار می‌آیند، در الگوی اقتصاد بازار توجه چندانی نمی‌شود.

پیشنهاد‌های کاربردی پژوهش

۱. اولویت نخست کشور در زمینه سیاست مالی «ایجاد نظام جامع اطلاعات اقتصادی افراد در جهت اصلاح ساختار اقتصادی و مالیاتی در کشور» می‌باشد و دولت باید بیشترین همت و انرژی خود را از بین این‌ها خط‌مشی صرف ایجاد این نظام جامع اطلاعاتی کند تا سریع‌تر منجر به تحقق راهبرد اقتصاد مقاومتی در کشور شود.

۲. اولویت دوم کشور در زمینه سیاست مالی «کاهش صادرات مواد خام» است و دولت باید تدابیری بیندیشد تا با حصول تکنولوژی‌های لازم و افزایش بهره‌وری، مواد خام را تبدیل به کالاهایی با ارزش افزوده بالاتر نماید و موجب رشد و رونق اقتصادی در کشور شود.

۳. دولت در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های خود از توصیه‌ها و دیدگاه‌های الگوی اقتصاد اسلامی استفاده نماید تا بهتر و سریع‌تر بتواند راهبرد اقتصاد مقاومتی را در کشور اجرایی کند.

منابع و مأخذ

۱. اکبری، نعمت‌الله و مهدی زاهدی کیوان؛ کاربرد مدل‌های برنامه‌ریزی در اقتصاد و مدیریت؛ اصفهان: جهاد دانشگاهی واحد اصفهان، ۱۳۸۸.
۲. الوانی، سیدمهدی؛ تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت) و نشر علامه طباطبائی، ۱۳۷۱.
۳. پیغامی، عادل؛ سیاست‌های پولی و مالی در اسلام؛ بازیابی شده از: ۱۳۹۱.

۴. خاکی، غلامرضا؛ روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه‌نویسی؛ تهران: بازتاب، ۱۳۸۲.
۵. خامنه‌ای، سیدعلی؛ دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۱/۰۶/۰۲؛ بازیابی شده از:
۶. _____؛ جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰؛ بازیابی شده از:
۷. _____؛ حرم مطهر رضوی ۱۳۹۳/۰۱/۰۱؛ بازیابی شده از:
۸. رحمانی، تیمور و محمدمین صادق‌زاده؛ «تأثیر استقلال بانک مرکزی بر ثبات اقتصادی»؛ فصلنامه پول و اقتصاد، ش ۶، ۱۳۸۹.
۹. سلیمانی، محمد؛ «ضرورت اجرای اقتصاد مقاومتی»؛ مجله نامه اتاق بازرگانی، ش ۵۳۵، ۱۳۹۱.
۱۰. صمدی، سعید، امین زاهد مهر و ایوب فرامرزی؛ «بررسی اثر سیاست‌های مالی دولت بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی در ایران»؛ فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ش ۴۹، ۱۳۸۷.
۱۱. طهماسبی بلداجی، اصغر و آذر طهماسبی بلداجین؛ «جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی از منظر قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام)»؛ فصلنامه قرآنی کوثر، س ۱۳، ش ۴۷، ۱۳۹۲.
۱۲. فرازمنده، حسن، مجتبی قربان‌نژاد و عبدالله پورجوان؛ «تعیین قواعد سیاست پولی و مالی بهینه در اقتصاد ایران»؛ فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، س ۲۱، ش ۶۷، ۱۳۹۲.
۱۳. قائمی‌نیا، علی‌اصغر و سیدسعید موسوی ثمرین؛ شناخت جریان‌های فعال اقتصادی در ایران؛ تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های سازمان بسیج دانشجویی، ۱۳۹۰.
۱۴. مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت؛ اقتصاد و عرصه اقتصادی از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی؛ تهران: مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۹۱.
۱۵. مریدی، سیاوش و علیرضا نوروزی؛ فرهنگ اقتصادی؛ تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۷۳.

۱۶. مهرگان، محمدرضا؛ پژوهش عملیاتی پیشرفته؛ تهران: نشر کتاب دانشگاهی، ۱۳۸۳.
۱۷. میرمعزی، سیدحسین؛ اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی؛ تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.
۱۸. _____؛ نظام اقتصادی اسلام؛ تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۹. _____؛ «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۱۲، ش ۴۷، ۱۳۹۲.
۲۰. نمازی، حسین؛ نظام‌های اقتصادی؛ تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۹.

